

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۲، ش ۱ (پیاپی ۲۵)، بهار ۱۴۰۰

صص: ۲۵-۱۱

شاپا: ۸۴۵۷-۲۲۵۱

خوانش پسااستعماری از شعر دفاع مقدس

دکتر نرگس اسکویی (نویسنده‌ی مسئول)

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

دکتر تهمینه شجاعت‌زاده

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

دبیر دبیرستان‌های آذربایجان غربی، میاندوآب، ایران

چکیده

در جهان پسا سرمایه‌داری کنونی، مطالعه در مسأله استعمارگری جدید و روش‌ها و پیامدهای خرد و درشت آن، به یکی از نگرش‌های مهم و قابل توجه در نقدهای بینا فرهنگی تبدیل شده است. این تحقیقات که خود منشعب از نظریه‌های پست‌مدرنیستی و پسا ساخت‌گرایانه هستند، منجر به ارائه تئوری‌های جدید و تحقیقات وسیع پیرامون مسأله استعمار، استعمارزدایی و پسااستعمارگری در متن‌های مختلف ادبی و هنری گشته است. مطابق این نظرگاه، جنگ هشت ساله ایران و عراق، اگر چه در روستا خود هیچ علائمی از تظاهرات استعمارگرایانه نمایان نمی‌سازد، اما در نگرش زیربنایی، ابعاد گسترده‌ای از مفاهیم تسلط و یا میل به تسلط قدرت استعماری غرب را به نمایش می‌گذارد؛ مسأله اصلی این تحقیق، مطالعه در شعر دفاع مقدس به مثابه ادبیات پسااستعماری بوده است و نتایج حاصل از تحقیق که به روش تحلیلی و توصیفی انجام یافت گویای آن است که بسیاری از مؤلفه‌های پسااستعماری و استعمارزدایانه همچون افشای سیاست جنگ‌افروزان استعمار به عنوان چهره اصلی اما پنهان جنگ، مقابله با دسیسه‌ها و فرصت‌طلبی‌های استعمارگرایانه غرب، تقابل فرهنگی با استعمارگری شرق و غرب، تکیه بر حفظ شعائر هویت خودی و تمامیت ارضی و هم‌چنین همبستگی با تمام ملت‌های استعمار دیده و تحت سلطه در گفتمان شعر دفاع مقدس انعکاس یافته است.

واژگان کلیدی: گفتمان پسااستعماری، شعر دفاع مقدس، استعمارزدایی، غرب و شرق، هویت فرهنگی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۴/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

۱- مقدمه

بر طبق مطالعات پسا استعماری (postcolonial studies) امروز مبحث استعمار و استعمارگری حتی از چشم مردمان سرزمین‌هایی که هرگز تحت استعمار نبوده‌اند هم، به چالش کشیده می‌شود. از دیدگاه این نظریهٔ پسااستعماری، آثار پسااستعمارگرایانه مبلّغ این اندیشه‌اند که استعمار و امپریالیسم، فرهنگ و هویت آنان را تهدید می‌کند و سعی در زدودنشان دارد. اگر جهان استعمارگر در گذشته با نام پیشرفت و تمدن مستعمره‌های خود را سرکوب می‌کرده، هم‌اکنون با مرکزی کردن فرهنگ خود تلاش می‌کند که جهان شرق (واژه‌ای عام در برابر غرب و قدرت‌های استعمارگر) را در حاشیه بگذارد. (ن.ک: مک‌لین، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۷). ژرف‌ساخت ساختارگیزانهٔ آثار پسااستعماری تلاشی است در جهت زدودن مفاهیم معیار که پیشتر ادبیات استعمارگر آن را بر ساخته و نشر داده و آن را معیار ادبیات جهان قرار داده است. می‌توان ادبیات پسااستعماری را نقدی بر سنت‌های فرهنگی غرب به‌شمار آورد. گاهی نیز ادبیات پسااستعماری، رسالت روشنفکری در برابر جریان‌های غرب‌زده و رهاکنندهٔ فرهنگ خودی را ایفا می‌کند. ادبیات پسااستعماری به مطرح کردن سوالاتی دربارهٔ تاریخ، هویت، قومیت، جنسیت و زبان کشورهای تحت سلطه می‌پردازد. (ن.ک: ایگلتن: ۱۳۸۶: ۹۴-۹۹). مطابق این دیدگاه، ادبیات جنگ ایران و عراق بستر مطالعاتی بسیار مناسبی است برای نقد پسااستعماری در مفاهیم فرهنگی و هویتی ملتی که تجربهٔ هشت سال جنگ نابرابر را پشت سر نهاده و فهم و دریافت خود را از چیستی و چرایی جنگ، پدیدارشناسی «خود» و روان‌شناسی «دیگری» یا دشمن، در موضوعات ریز و درشت و بسیار گستردهٔ جنگ به تصویر درآورده است.

۱-۱- بیان مساله

جنگ ایران و عراق بر بنیادهای استعمارگرانه بنا نهاده شد و در طول هشت سالی که این جنگ به دراز کشید، استعمار غرب و شرق، هر یک به دلایلی، از دشمن ایران حمایت نمودند و به‌طور رسمی روی‌در روی ایران ایستادند؛ استعمارگران و هم‌پیمانانشان با تحریم اقتصادی و سیاسی ایران و تقویت حریف متخاصم، عملاً نفوذ و تسلط خود را در این جنگ علنی ساختند؛ بنابراین، می‌توان این فرضیه را پیشنهاد نمود که این جنگ تمام نیت استعمارگرانه را در بطن خود داشته است؛ بدیهی است چنین زمینهٔ سیاسی و فرهنگی، در تولید آثار ادبی و فکری مبتنی بر جنگ تاثیرگذار بوده است؛ نویسندگان و صاحبان اندیشه هر یک سعی نموده‌اند که مطابق تفکر و نگرش خود به تفسیر و تعبیر گفتمان حاکم بر این جنگ بپردازند؛ مسألهٔ اصلی این تحقیق خوانش دوباره‌ای از این آثار برپایهٔ نقد پسااستعماری برای ادراک و برداشت‌های دقیق‌تر از آثار جنگ و انگاره‌های گفتمانی

موجود در آن است.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

مطالعات پسااستعماری که خود دامنه بسیار گسترده‌ای از مطالعات فرهنگی پسااستعماری و پدیدارشناختی را در بر می‌گیرد، جنبه مغفول مانده نقد آثار مربوط به ادبیات جنگ ایران و عراق است. این تحقیقات ساختاری، کمک شایانی در جهت تعریف بهتر و کامل‌تر از ادبیات دفاع مقدس خواهد نمود؛ هم‌چنین این نوع مطالعه، مسیر را برای شناخت کامل‌تر و دقیق‌تر دیدگاه‌های فکری و ایدئولوژیکی موجود در باره ادبیات جنگ و تحلیل گفتمان‌های فرهنگی و هویتی حاکم بر آن هموارتر خواهد ساخت. انجام چنین تحقیقی برای دریافت‌های جامعه‌شناسانه، فلسفی، فرهنگی، هویتی، تاریخی و معرفت‌شناسانه از آثار ادبیات جنگ ایران و عراق ضروری می‌نماید.

۱-۳- پیشینه‌ی تحقیق

مطالعات پسااستعماری در تحقیقات حوزه زبان و ادبیات، امروزه از رشد بسیار زیادی برخوردار است؛ مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های فراوان در موضوع تحلیل آثار ادبی بر اساس این نگره نگاشته شده‌اند که از حوصله و حدود این بحث خارج است؛ این تحقیقات بیشتر در موضوع بررسی آثار نویسندگان و هنرمندان خارجی نگاشته شده‌اند؛ آثار شعرا و نویسندگانی چند از ایران هم بر اساس این نظریه و در طی مقالات و پایان‌نامه‌ها یا رساله‌هایی دکتری تحلیل شده است، هم‌چون مقالات: «خوانش پسااستعماری همسایه‌های احمد محمود در پرتو نظرات اسپواک»، «کارکرد اسطوره در گفتمان پسااستعماری رمان فارسی با تحلیل سه رمان: سووشون، رازهای سرزمین من، اهل غرق»، «نقد پسااستعماری داستان بلند سرگذشت کندوها نوشته آل احمد»، «واکاوی جلوه‌های فرودست پسااستعماری در رمان جای خالی سلوچ»، «ماجرای حاجی بابای اصفهانی و شرق‌شناسی پسااستعماری»؛ در نقد آثار ادبی و هنری مربوط به ادبیات مقاومت و پایداری در ایران هم جسته و گریخته مطالعاتی انجام شده است، مثل مقاله «نقد پسااستعماری رمان روزگار تفنگ» که به موضوع حمله متفقین به ایران اختصاص دارد؛ اما بر طبق نتایج این جست‌وجو، تحقیقی در موضوع تحلیل آثار دفاع مقدس بر اساس نظریات پسااستعماری انجام نیافته است.

۲- بحث و بررسی

۱-۲- مطالعات پسااستعماری و مؤلفه‌های آن

مطالعات ادبی پسااستعماری، به پاره‌ای از سلسه‌روی کردهای نقد فرهنگی-ادبی قرن بیستم اطلاق می‌شود و در مجموعه نظریات انتقادی ادبیات پست‌مدرن جای دارد. مفاهیم

اصلی موجود در نظریه‌ی پسااستعماری، مفاهیمی است چون: مفهوم «دیگری» (Otherness)، تقلید، «در حاشیه بودن» و «هویت» (Identity). این نوع مطالعات غالباً بر تقابل دوتایی خود/دیگری، تفاوت و تمایز هویتی غرب از شرق، برساختن نظامی از تصویرسازی‌های مبتنی بر دیگربودگی، غریبگی و دوربودگی و به‌طور کلی برتری «خود» فرادست بر دیگری فرودست، استوار بوده است (ن.ک: برتنز، ۱۳۸۲: ۶۷-۱۳۷). این دگرسازی معرفتی، وجودی و ارزشی «خود» در مقابل دیگری از منظرهای زبان‌شناختی، انسان‌شناختی و روان‌کاوانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به‌دنبال آن، نقدهای پسااستعماری نیز درصدد به چالش کشیدن نژادپرستی، قوم‌محوری و غیریت‌سازی سرکوبگرانه‌ی غربی و نقد آمریت دانش غرب بر شرق بوده است.

این مطالعات که از ۱۹۴۷ با آغاز استعمارزدایی گسترده‌ی امپراتوری بریتانیا آغاز شده بود، با انتشار کتاب مشهور ادوارد سعید (Edward Said) به نام «شرق‌شناسی» (Orientalism) در ۱۹۴۷ شتاب بیشتری گرفت. اساس گفتمان پسااستعماری سعید، بر مطالعات پدیدارشناختی (Phenomenology) فلاسفه‌ای چون هگل، میشل فوکو و ژاک دریدا در مسأله‌ی «خود» و «دیگری» استوار است؛ به نظر ادوارد سعید، «شرق» عمیق‌ترین و مکررترین تصویری بود که غرب از «دیگری» ساخته است؛ غیری که باید موضوع سلطه، کنترل، راهنمایی، دگرگونی و اقتدار قرار گیرد. (ن.ک: سعید، ۱۳۸۳: ۴۷)؛ او با استفاده از مفهوم «تقابل‌های دوگانه» (Binary Opposition)، شرق و غرب را در مقابل هم‌دیگر می‌داند؛ به شکلی که «دیگری» یک‌دیگر به حساب می‌آیند (ن.ک: سعید، ۱۳۷۹: ۵۹)؛ سعید ادعا می‌کند که «غربیان با ساخت شرق در واقع خودشان را تعریف می‌کنند (ساخت خود از طریق دیگری)، به اعتقاد او شرق وجود خارجی ندارد بلکه برای غربی‌ها یک ساخت ذهنی است» (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۱۲۰). در این بینش، تمایل رسیدن به استقلال و حفظ هویت به معنای انزوای طلبی و گوشه‌گیری نیست بلکه در مفهوم «رهیابی و دسترسی به جهان است.» (برک، ۱۳۹۰: ۶).

متفکران دهه‌های بعد، استراتژی‌های مختلفی را در پژوهش‌ها و مبارزه‌های پسااستعماری در پیش گرفتند. راناجیت گوها (Ranajit Guha) تاریخ مستعمرات را از زبان فرودستان نگاشت؛ گایاتری چاکراوورتی اسپیواک (Gayatri Chakravorty Spivak) میان مطالعه‌ی پسااستعماری و مضامینی چون فمینیسم پیوند برقرار نمود. هومی بهابها (Homi Bhabha) معتقد به فرهنگ چندصدایی و گفت‌وگویی است و «اصالت فرهنگی» (جهان شمول) را نقد می‌کند. (ن.ک: شاهمیری، ۱۳۸۹: ۴۲-۷۱).

۲-۱- ماهیت استعماری جنگ ایران و عراق

با تغییر نظام حکومتی در ایران، و اتمام نقش «ژاندارمی» منطقه که توسط «محمدرضا شاه پهلوی» ایفا می‌شد، آمریکا حمایت قدرت اصلی حاکم بر منطقه را که منافع عظیم سیاسی و استراتژیکی و بیش از همه اقتصادی کشورش را تأمین می‌نمود، از دست داد. تا پیش از انقلاب اسلامی، ایران بزرگترین خریدار سلاح و تجهیزات نظامی آمریکا بود، پس از انقلاب و با تغییر رویکرد نظامی و ایدئولوژیک حکومت ایران، آمریکا این بازار بزرگ و سودمند را از دست می‌دهد و مضاعف بر این، بیم آن وجود دارد که این قدرت بزرگ منطقه‌ای که پیشتر دشمن سرسخت استعمار شرق، یعنی شوروی است، در خلأ حمایت استعمار غرب و وجود تحریم‌های فزاینده و زمین‌گیرکننده، دست دوستی به همسایه استعمارجوی خود دهد و علاوه بر آن، در صدد انتشار مناسبات فکری و مذهبی خود برآید؛ تسخیر سفارت آمریکا در ایران، در سال ۱۳۵۸ ضربه نهایی را بر روابط ایران با آمریکا و قدرت‌های حامی آمریکا وارد کرد و ایران از دوست و مدافع منافع و تأمین‌کننده امنیت نفتی آمریکا علی‌الخصوص در تنگه هرمز، تبدیل به نیروی متخاصم برضد آمریکا گردید که پی‌آمدهایی نظیر قطع کامل روابط سیاسی با ایران، محاصره و تحریم اقتصادی، حمله نظامی به طبس، کودتای نوژه و ... برای ایران به همراه داشت. (ن.ک: تیموری، ۱۳۹۵: ۷۳-۱۲۰)؛ در این برهه از تاریخ، عراق به سردمداری صدام حسین و حزب بعث عراق، دوران پررونقی را به جهت اقتصادی و تجهیزات نظامی تجربه می‌کرد؛ عراق به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور عرب ساحل خلیج فارس، به دنبال کسب رتبه ژاندارمی در منطقه بود که پیشتر به ایران تعلق داشت و علاوه بر آن خواستار رهبری بر جهان عرب بود. در این زمان عراق حمایت جهان استعماری غرب (آمریکا و اروپا) در برابر ایران را به دست آورد. (ن.ک: رفیع‌پور، ۱۳۹۵: ۳۱۰-۳۶۵)؛ اغراض غرب برای تهییج عراق در دست یازیدن به چنین نبردی را از جهات گوناگون می‌توان تحلیل نمود اما اهم این اهداف عبارت بودند از: پیشگیری از قدرت گرفتن ایران و عراق به عنوان رقبای صنعتی و اقتصادی آمریکا در منطقه، جلوگیری از پیوند ایران با ابرقدرت شرق (شوروی) و نیز یافتن بازارهای جدیدی برای فروش تجهیزات جنگی. (ن.ک: زرقانی، ۱۳۵: ۷۳-۸۶). سرانجام عراق با حمایت گسترده استعمار غرب و پشتیبانی کشورهای عربی، پس از یک سلسله درگیری‌های مرزی و تجاوزهای پی‌درپی و پراکنده (از ابتدای سال ۱۳۵۹) در ۵۹/۶/۳۱ حمله گسترده‌ای را به ایران آغاز نمود. در طول این جنگ که هشت سال به طول انجامید و خسارات بسیار زیادی بر هر دو کشور وارد آورد، استعمار غرب از هیچ حمایتی در حق عراق مضایقه ننمود و با کمک‌های اقتصادی، مستشاری (در ساختن ادوات جنگی هم‌چون موشک‌های دوربرد و کمک در طراحی‌های

جنگی) اطلاعاتی (مثل در اختیار گذاشتن نقشه‌ی نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌های مهم ایران برای بمباران هوایی)، راه‌اندازی جنگ نفتکش‌ها برای تکمیل محاصره‌ی اقتصاد متکی به نفت ایران، استفاده از قدرت و نفوذ خود در سازمان ملل برای صدور قطعنامه‌های پی در پی علیه ایران و عدم معرفی عراق به عنوان کشور متجاوز تا یازده سال پس از جنگ، عدم اجرای مفاد عهدنامه‌ی ژنو در حمایت از اسرای ایرانی، عدم محکوم‌سازی عراق در تخلف آشکار در استفاده از تجهیزات جنگی شیمیایی و... (ن.ک: درودیان، ۱۳۸۸: ۵۳-۱۴۳) هر چه می‌توانست قدرت استعماری خود را به رخ ایران کشید تا آن که ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ با ارسال نامه‌ای به خاویر پریز دکوئیار، دبیر کل سازمان ملل، رسماً قطعنامه‌ی ۵۹۸ را پذیرفت و تن به صلح داد. در این تاریخچه‌ی بسیار فشرده از جنگ خلیج فارس، هر چند این جنگ به‌ظاهر میان دو کشور منطقه‌ای است اما به وضوح می‌توان ردپای استعمار غرب، منافع، نفوذ و تسلطش را مشاهده نمود.

۲-۲- گفتمان پسااستعماری در شعر دفاع مقدس

شعر دفاع مقدس ایران، انعکاس‌دهنده‌ی روحیات استعمارگریز مردم ایران و برائت آنان از تسلیم شدن در برابر تهاجم نظامی و فرهنگی ابرقدرت‌های جهانی است؛ این شعر روایت‌گر حماسه‌ی مقاومت یک ملت شرقی در برابر هجوم استکبار جهانی است و رشادتها و جان‌فشانی‌های ایرانیان در دفاع از استقلال و هویت ملی و فرهنگی خود را به تصویر درمی‌آورد: «بازتاب ادبی پایداری ملت‌ها در برابر تهاجم بیگانگان، دارای خمیرمایه‌ی واحدی است و آن حفظ هویت، اصالت و استقلال است.» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۳۸-۳۹)؛ این شعر هم‌چنین، با دارا بودن ویژگی ادبیات متعهد بر آن است که آگاهی‌های در موضوع ماهیت استعماری جنگ و اهداف استعمارطلبانه‌ی غرب در دامن زدن به جنگ را انتشار دهد؛ در همین راستا، شعر متعهد دفاع مقدس می‌کوشد تا با تقویت روحیه‌ی دلاورانه و استعمارگریز مردم ایران و پیوند زدن حماسه‌ی مقاومت این ملت با باورهای ایدئولوژیک و نظرگاه مذهبی، هر ابرقدرت مستکبری را در منظر ایشان حقیر و عزم آنان را در مبارزه با هر نوع تهاجم به عرض و ارض و هویتشان جزم‌تر سازد:

«در منتهای صبر و ستیز/ باید دانست/ که در مقام قادر یکتا/ قدرت وجود ندارد/ یگانه ابرقدرت اوست/ سوداگران جنگ‌افروز/ قداره‌بندهای غاصب وطن و مال/ مستکبرند، نه قدرتمند» (صفارزاده، ۱۳۸۰: ۷۸).

در ادامه‌ی تحقیق به سایر ویژگی‌های ضداستعماری شعر دفاع مقدس می‌پردازیم:

۲-۲-۱- تقابل دوگانه‌ی شرق/غرب

یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های مطرح در مطالعات پسااستعماری، صف‌آرایی شرق

(اصطلاحی عام برای ملت‌های تحت سلطه غرب) در مقابل فرادستی استکباری غرب، برای حفظ شأن، اقتدار و استقلال هویت «خود/شرق» است؛ برای آن‌که شرق، از فرودستی و غیریتی که غرب بر او تحمیل می‌کند برآید؛ این اندیشه، چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد، متأثر از اندیشه‌های شرق‌شناختی ادوارد سعید است؛ سعید گفتمان شرق‌شناختی را نه تعاریف حقیقی از هویت شرق، بلکه تعاریف استعماری و جهت‌گیرانه غرب از شرق می‌داند «براین اساس، هستی «شرق» ساخته شده توسط غرب، در ارتباط با غرب و برای غرب است. شرق تصویری از یک دیگری بیگانه و عقب‌افتاده در برابر غرب پیشرفته است. شرق‌شناسی، شیوه‌ای غربی برای تسلط بر شرق است و حاصل آن نادیده گرفتن واقعیت شرق و مردم آن می‌باشد. این شرق‌شناسی پدرسالارانه، خودمرکزبین، نژادپرست و امپریالیستی است. شرق منفعل و ضعیف در برابر غرب عقل‌گرا و قدرتمند» (دالمایر، ۱۳۸۴: ۸۶). سعید معتقد است که شرق برای ابراز خود نیازی به تعریف بیگانه از خود ندارد و باید بکوشد تا هستی خود را نه در غالب دیگریِ فرودست غرب، بلکه با موجودیت مستقل و عاملیت کامل به ثبوت برساند؛ این مؤلفه به عنوان یکی از ریشه‌دارترین انگاره‌های پسااستعماری، در شعر دفاع مقدس قابل ره‌جویی است و با توجه به ماهیت حماسی این شعر، رنگی از مبارزه به خود گرفته است:

«این بار / آتش‌بس / از حوالی شرق است / که غرب را / و چهار جانب اصلی / خواهد گرفت» (صفاراده، ۱۳۷۸: ۱۰۱).

«من / شمشیر باستانی شرقم / پرورده مصاف / بیزار از غلاف» (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۸). در این تفکر، هویت مذهبی، تعریف عمیق‌تری را به «شرق/خود» تصویر شده در شعر دفاع مقدس بخشیده است؛ اغلب شاعران این حوزه، دین و باورهای معنوی را مهم‌ترین عامل قدرت‌یابی و سرفرازی شرق در برابر نظام استعماری غرب در جهان، عنوان نموده‌اند و معتقدند که شرق با سرمایه‌انگیزه‌های دینی، قدرت برابری در مقابل تمام نیروهای مادی غرب را داراست:

«و حق علیه سلطه باطل / در استقامت و تنهایی می‌جنگید / در عین خستگی / از فخر آن نهانی ایمانش / انوار آفتاب می‌درخشد» (صفارزاده، ۱۳۶۶: ۱۵).

به فر دولت اسلامی و ولایت حق	دمیدصبح از آن پس که شام یلدا بود
شد آن زمان که به افسون غرب بر گردون	گریو شیون بومان ناخوش‌آوا بود

(اوستا، ۱۳۸۶: ۱۷۵)

۲-۲-۲- دشمن به‌مثابه نماینده و مزدور استعمارگران جهانی

«جهان/اجیر جهان‌خواران بود/جهان پر از خصومت با مظلومان بود/جهان پر از عداوت با ما بود» (صفارزاده، ۱۳۶۶: ۱۰).

این تفکر که دشمن حقیقی ایران در جنگ هشت ساله، در اصل اندیشه استعماری غربی است و عراق به نمایندگی از ابرقدرت‌های جهانی و با حمایت نیروهای استکباری تن به این جنگ داده، به شکل بن‌مایه اصلی در گفتمان شعر دفاع مقدس وارد شده است: خاک خود را پس بگیرد ای دلیران وطن

از جهان‌خواران غرب و شرق و این اکبیرها
(اخوان ثالث، ۱۳۸۷: ۳۵)

گر که استکبار چون صدام دارد خار و خس

ملت اسلام هم سیل است و طوفانی هنوز
(شهریار، ۱۳۸۷: ۵۳۹)

شاعران این دوره با گرایش پسااستعماری، عراق را دست‌نشانده غرب برای ایستادگی در برابر استقلال و عاملیت ایران در جهان مطرح نموده‌اند:
«امسال سال موش است/سالی که هزار نقشه برای مردم کشیدی/و نیرنگ را/در محضر موش اعظم تلمذ کردی/مردم که هیزم تری به تو فروخته‌اند/ترا آمریکایی می‌دانند...» (هراتی، ۱۳۶۵: ۶۶).

آنان معتقدند که جنگ حقیقی ایران، در برابر غرب استعمارگر است و بر این باورند که حمله عراق به ایران حاصل سیاست منفعت‌جویانه استکبار جهانی، هم برای کنترل منطقه (خاورمیانه) و هم برای محدود کردن توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... ایران است:
«صدام/خون‌آشام/... دست کدام اهریمنی/دست ترا به بند جنون بسته است؟/دست کنار دست کدامین شیطان می‌بالد؟/ما، خواب ناز شیطان را/دیری است در سراسر گیتی آشفته‌ایم» (جعفر حمیدی در سمت، ۱۳۷۳: ۲۵۰).

۲-۲-۳- ابزارهای استعمار

تفکر استعماری، برای آن که بتواند سلطه استکباری خود را بر جهان حفظ کند، بی‌شک نیاز به ابزارهایی برای فزونی قدرت، صدور تمدن و افزایش توان نفوذی خود بر سایر کشورها دارد؛ علم مادی، یعنی دانش تهی از معنویت و انسانیت به اعتقاد شاعران روشنفکر دفاع مقدس، این امکان را در اختیار دول استکباری نهاده است:

«دانش/هم‌چون تباهی/هم‌چون ظلم/به اوج خویش رسیده است» (صفارزاده، ۱۳۷۸: ۱۹)

به باور این شاعران، دانش استکباری، خرد، هویت و جان ملت‌ها را نشانه گرفته است برای آن‌که بتواند بر سلطه و حکمرانی خود بر جهان ادامه دهد و استقلال هویتی ملت‌ها را تحت‌الشعاع سیاست‌های جهان‌خوارانه خود قرار دهد:

«در نضج دانش مرگ‌آور/ در کسب قدرت و مال/ و در تجسم بزرگی دنیاست/ علم جدا شده از ایمان/ در سازمان فاسد سوداگران/ طراح آلت قتاله است/ و این مسابقه ظلمانی/ تولید هر چه بیشتر عاملان مرگ/ انواع توطئه/ انواع بمب/ انواع انفجار/ انواع بسته‌های مخدر/ در صحنه‌های فوق مخوف/ و از مسیر فیلم‌های مستند خونین/ به اطلاع قلب و مغز بشر می‌رسد/ در جمله‌های وحشت شب هنگام/ اعصاب مرتعش» (صفارزاده، ۱۳۷۸: ۱۰۸).

بدین ترتیب ابرقدرت‌های خودمحور، با نادیده انگاشتن حق استقلال و هویت سایر ملل، می‌کوشند تا با اختراع و تولید پیشرفته‌ترین سلاح‌های مرگبار و کشتار دست‌جمعی و فروش آن به کشورهای واسطه -یعنی کشورهایی که دچار خودباختگی فرهنگی در برابر غرب شده، خود عاملی برای تجاوز یا تهدید دیگر کشورهای مستقل گشته‌اند- هم ثروت و بنیه اقتصادی خود را تقویت نمایند و هم با جنگ‌افروزی میان دیگر ملت‌ها، به مصداق «تفرقه بینداز و حکومت کن»، سروری و سیادت خود را بر جهان تضمین کنند:

«آن فکرهای مسموم/ از مغزهای مست متفرعن/ از قلب‌های سنگی/ در سینه‌های سنگی/ نشت می‌کند/ وقتی خیال صدور تمدن دارند/ با توپ‌های دورزن/ با موشک‌های زمین به زمین/ با موشک‌های زمین به هوا/ با بمب‌های آتش‌زا/ با بمب‌های خوشه‌ای/ و ساده‌تر از این‌ها/ با راکت‌ها/ پیغام صلح و دوستی ابلاغ می‌کنند... با خوک‌های اهلی شرق و غرب/ دارندگان تکنیک برتر/ حرفی نیست/ اما سخن از نوچه‌های آن‌هاست/ کار گراز وحشی تخریب است/ اکنون گراز وحشی بغداد/ با آخرین نفس/ با هدیه‌های کاری اربابان/ از آغل بزرگ تمدن/ سرسخت/ گرم چنگ و یل اندازی است...» (محبت، ۱۳۸۹: ۲۷۶)

دانش غربی با ماهیت استعماری و عموماً با سوء استفاده از ناآگاهی جهان شرق، با چشم بستن بر حق استقلال کشورها، ناچیز انگاشتن ماهیت و اصالت انسانی در هر جای کره زمین و با مآل‌اندیشی‌های خودمحورانه، می‌کوشد تا فرادستی خود و فرودستی شرق را همواره به‌سان یک معادله در جهان ثابت و برقرار نگهدارد:

«در سلطه‌دان جهل/ هیولای قدرتی است/ که صدها سامان را/ به چشم‌هم‌زدنی/ می‌بلعد/ و دکنه‌های کشنده و مرگ‌آور/ آرمان زندگانی را/ در لحظه‌ای/ نابود می‌کنند» (صفارزاده، ۱۳۷۸: ۱۷).

در همین راستا، غرب همواره بر آن است تا با صدور گزینشی و محدود دانش خود به شرق، حقارت شرق و حق سروری خود را بر او به رخ بکشد؛ شعر دفاع مقدس با درک

صحیح از چنین سیاست و نیت پنهانی، به قصد آگاهی‌بخشی، با یادآوری مجد و قدرت شرق و گوشزد نمودن دسیسه‌های پنهان غرب، سعی در بیداری شرق و دعوت آن به بازیابی هویتی و تلاش برای خودشکوفایی و استقلال ملل شرق دارد:

«دست مریزاد/ به لبنان فرصت داده‌اند/ تا کشته‌هایش را دفن کند/ و صنعت مونتاژ را/ و روشن فکر مونتاژ را/ به یادگاری به جهان سوم ببخشد/... لطفاً لطفتان را به نفتالین بیالایید/ و در جای خنک و خشک نگهداری کنید» (هراتی، ۱۳۶۵: ۸۷).

در شعر دفاع مقدس، تمام دارایی ملت‌های شرق در برابر داشته‌های مادی غرب، هویت فرهنگی و باورهای معنوی عنوان می‌شود، که بدین ملت‌ها قدرت حرکت در مسیر استعلایی «خود» و ایستادگی و قد برافراختن برای خیزش‌های ضداستعماری در برابر ابرقدرت‌ها را می‌دهد:

«دشمن سلاح دارد/ دست و دهان و هیکل و زیور دارد/ اما/ یقین و عشق ندارد...» (صفارزاده، ۱۳۶۶: ۳۸).

«در یورش بی‌امان کلاشینکف/ لاله‌ای بر کنار قلبت/ می‌روید/ و تو/ شادمانه/ خدای را تکبیر می‌گویی» (عطارزاده، ۱۳۸۶: ۵۳).

۲-۲-۴- رسانه‌های استعماری

ثروت و دانش استعماری، ابزار گسترده‌ای را در اختیار جهان غرب نهاده است تا نیت پنهان و آشکار خود را به تمامی در جهان بازتاب دهد؛ غرب با رسانه‌ها و ابزار ارتباط جمعی پیشرفته، می‌تواند به راحتی مُبلغ اهداف و سیاست‌های استکباری خود باشد و وقایع جهان را آن‌گونه که خود می‌پسندد به سمع و نظر مخاطبان جهانی خود برساند. و البته که صدور فرهنگ خودی -یا تهاجم فرهنگی-، که خود شیوه فراگیری برای تسلط پایدار بر کشورهای عقب‌نگه داشته شده است را نیز باید به سودمندی کلان رسانه‌های استعماری افزود.

رسانه‌های استکباری، در اغلب دوره‌ها، نقش مهمی در بازتعریف وقایع و رخداد‌های مهم جهان، از جمله جنگ هشت ساله ایران و عراق در اذهان عمومی جهان داشته‌اند؛ این رسانه‌ها با وارونه جلوه دادن حقایق جنگ، یا اتخاذ سیاست‌های ریاکارانه چون «دم فرو بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی» حقوق بسیاری از مظلومان را به نفع ظالمان تضییع نموده‌اند؛ در این جنگ استعماری، عراق، از حمایت گسترده رسانه‌های بیگانه، به شکل نقل‌گزینشی اخبار و نیز عدم انتشار بسیاری از جنایت‌های جنگی برخوردار بوده است:

«ماهواره‌های دروغ‌پرداز/ در سیاست دخالت می‌کنند/ و سعی دارند/ دنیا باور کند/ زخم ایران با پماد زیتون التیام می‌یابد» (هراتی، ۱۳۸۸: ۶۸).

رسانه‌های جمعی استعماری، با سرپوش نهادن بر بسیاری از فجایع جنگی، ضمن تحریف تاریخ به سمتی که بدان تمایل داشتند، در بسیار از مواقع جنگ، ایران را از حق حمایت جهانی محروم کردند:

«با این همه در عصر بی‌خبری/ در عصر شب/ در عصر خستگی/ در عصر عصب/ در روزنامه عصر/ از شرح حال ما اثری نیست/ در عصر خواب و خلسه و خمیازه/ در عصر آخرین خبر تازه/ از نام ما/ در روزنامه‌ها خبری نیست» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲۶)

«به هر جا زنگ می‌زنی/ کسی جواب نمی‌دهد/ تمام مشترکان خاموش‌اند» (قزوه، ۱۳۸۹: ۶۹).

۲-۲-۵- نقش استعماری سازمان‌های مدعی دفاع از حقوق بشر

از دیگر اقدامات ظالمانه جهان استکباری، در حمایت از متجاوزان به ایران، می‌توان از تأثیرگذاری امپراطوری‌های استعمارگر جهان بر نقش و عملکرد سازمان‌های بین‌المللی با ادعای دفاع از حقوق بشر سخن گفت؛ انفعال و خاموشی این مجامع در بزرگه‌های سیاسی و جنگی، همچون سکوت رسانه‌ای جهان غرب، به دشمن این مجال را داده است که تمام قوانین جنگی و حقوق بشری را نقض کند بدون آن‌که در هیچ یک از دادگاه‌های بین‌المللی پاسخ‌گوی جنایات خود باشد؛ و این بزرگترین خیانت در حق یک ملل ستم‌کشیده است:

«نه، دیگر ساعت دیپلماسی کار نمی‌کند/ و سازمان ملل سوخته است/ مثل یک باتری قلمی/ حتی من فکر می‌کنم که از اهالی کوفه است/ این کوفی عنان» (قزوه، ۱۳۸۷: ۳۵۵).

تاریخ گواهی می‌دهد که در این برهه حساس تاریخی، این مجامع نیز چون رسانه‌های استکباری، با سوگیری‌های واضح سیاسی از ابراز حقیقت و دفاع از مظلوم به نفع مستکبران کنار کشیده‌اند و بی‌کار نشسته‌اند:

«دویست دلاور زندانی/ در زیر بمب به مرگ رسیدند/ و بمب آن‌گونه ماهرانه/ نقش شکنجه‌ها را/ از جسم‌های شهیدان زدوده است/ که سازمان حقوق بشر/ و دفاع بین‌الملل/ در غیبت گواه و مدرک/ از داوری/ زبانشان بسته است» (صفارزاده، ۱۳۸۶: ۴۸).

۲-۲-۶- همبستگی با ملت‌های استعمارزده

از دیگر ویژگی‌های استعمارستیز شعر دفاع مقدس ایران، ابراز همدردی و پیوستگی آن با ملت‌های تحت ستم و استعمارزده است؛ شاعران دفاع مقدس، در این نوع اشعار به مسائل و مصادیق استعمار از غصب و تاراج خزائن ملی تا دست‌اندازی به شاعر فرهنگ ملت‌ها اشاره نموده‌اند و سپس خود و ملل تحت سلطه را به نهراسیدن از جهان استعماری و محافظت از تمام دارایی‌های هویتی و فرهنگی توصیه می‌کنند. در شعری که در پی خواهد آمد، شاعر با مردم ایرلند سخن می‌گوید که قرن‌هاست در حال مبارزه با امپراطوری کهن

بریتانیا برای کسب استقلال هستند:

«دشمن / پناهگاه شما را / جنگل‌ها را / از ریشه کنده است / در سرزمین خویش آواره‌اید / و کوچ‌نشین / دیری است دزدهای معتبر فرهنگی / خانه‌های چوبی را / از افسانه‌های سلتی ربوده‌اند / زبان سلتی را ربوده‌اند / آن سان که نفت و فطرت و خرد ما را / ما با دستمزد خویش / کالافروش دگه بیگانگان شدیم / ... امام خوف ابرقدرت‌ها را / در قلب‌ها شکست» (صفارزاده، ۱۳۶۶: ۲۸-۳۲).

در ادامه این شعر، شاعر به همراهی و یگانگی مقصد تمام ملت‌های تحت استعمار اشاره می‌کند:

«راه شما و ما و خلق فلسطین / راه تمام خلق‌های تحت ستم / از معبر شکنجه / از معبر سکوت و سلطه‌گری / به هم پیوسته است» (همان، ۳۴).

شعر ضداستعماری دفاع مقدس، هم‌چنین مردمان مشرق‌زمین را به یک‌پارچگی و هم‌پیمانی در برابر استکبار جهانی فرامی‌خواند و از آنان می‌خواهد که به طمع وعده‌های بیگانگان، از هم‌سایگان، هم‌مسلمانان، هم‌زبانان و هم‌فرهنگان شرقی خود دور نشوند:

«آی دلاور ازبک، آی بهادر، ای تاجیک / وعده‌های غرب دروغه، چشمه دوره، دریا نزدیک / بین قرقیزی و ترک و ترکمن فاصله‌ای نیست / واسه همدلی به پای تو و من سلسه‌ای نیست / مسلم، افغانی و ایرانی و کشمیری نداره / توی دنیا عین ماها امت یک‌دله‌ای نیس» (معلم، ۱۳۶۰: ۸۹).

سلمان هراتی، شعری در تبیین دکترین مهدویت به عنوان زیربنای عقیدتی انقلاب و دفاع مقدس ایران سروده است؛ او در این شعر به توصیف حضور پیوسته امام موعود (عج) به عنوان نماد استعمارستیزی در تمام جبهه‌های علی‌ظلم و استکبار اشاره می‌کند؛ هراتی در این شعر از ایشان به عنوان نماینده و دستگیر تمام ملت‌های استعمارزده و مبارز علیه استبداد یاد می‌کند:

«او در جبهه است / با بچه‌ها فشنگ خالی می‌کند / ... و ما را در شعار / جنگ جنگ تا پیروزی یاری می‌دهد / ... او در تشییع جنازه مالکم ایکس شرکت کرد / و خطابه اعتراض را / در سایه مقدس درخت بائوباب / برای سیاهان ایراد کرد / چندی پیش یک شاخ گل سرخ / بر مزار خالد اسلامبولی کاشت / وقتی بابی‌سندرز را خودکشی کردند / او به دیدن مسیح رفت / ... در اردوگاه‌های فلسطین حضور دارد...» (هراتی، ۱۳۶۵: ۱۰۱).

۲-۲-۷- انتقاد از خودباختگی در مقابل فرهنگ استعماری غرب

یکی از روش‌های کاربردی و غیرمستقیم استعمار، در مبارزه با ملت‌های استقلال‌طلب، سعی در تضعیف باورمندی و تقید اشخاص و جوامع به فرهنگ و هویت «خود»ی و استقبال

از فرهنگ و تفکرات غربی است؛ در چنین حالتی وقتی که فرد، جامعه و یا حکومتی در اثر القائات منفی استعماری، نسبت به داشته‌های اصیل خود، حالت اکراه یافته و با دیده استحقار به «خود» بنگرد و در عوض در مقابل تظاهرات فرهنگ غیر، شیفتگی و اعجاب بنده‌وار بروز دهد، دچار خودباختگی فرهنگی شده است؛ شعر متعهد و استعمارستیز دفاع مقدس، اشخاص، ملت‌ها و دولت‌هایی را که دچار خودباختگی فرهنگی شده و غرب‌گرایی را سیاست و ایدئولوژی خود قرار داده‌اند، بی‌هیچ گونه اغمازی می‌نکوهد:

«این سران/ دشدادهاشان را پرچم صلح کردند و فروختند/ شاید اگر نبود نفت می‌جنگیدند» (قزوه، ۱۳۸۸: ۵۶).

خطر خودباختگی فرهنگی، کم‌تر از شبیخون نظامی نیست و افراد یا نظام‌هایی که بدین عارضه تن می‌دهند، به اندازه بیگانگان متجاوز در چشم استقلال‌طلبان استعمارگریز تهدیدآمیز جلوه می‌کنند:

«می‌ترسم روزی به نام تمدن/ به گردن بعضی زنگوله ببندازند/ می‌ترسم شلوارهای جین و چارلی کار دستانم بدهد/ و شکلات‌های انگلیسی دهانمان را ببندد» (قزوه، ۱۳۸۷: ۵۶).

۳- نتیجه‌گیری

این تحقیق، با این پیش‌انگاره، که جنگ ایران و عراق، دارای ماهیت استعماری است، اقدام به خوانشی نو از شعر دفاع مقدس بر اساس مطالعات پسااستعماری و با روش توصیفی-تحلیلی نمود؛ دست‌آوردهای حاصل از تحقیق، نشانگر این موضوع است که شاعران دفاع مقدس، عموماً قائل به اصل استعماری بودن پدیده جنگ ایران و عراق هستند و این نظرگاه پدیدارشناختی و پساساختاری در موضوع جنگ، درگفتمان حاکم بر شعر دفاع مقدس قابل پی‌جویی است. پی‌آمد استیلای این بینش بر شعر دفاع مقدس، ظهور و بروز مؤلفه‌های اصلی ادبیات پسااستعماری در این شعر است؛ نگره‌هایی همچون تقابل خود/دیگری، تقابل‌های فرهنگی، تقلید (خودباختگی فرهنگی) به‌سان اصول و ارزش‌های دیالکتیکی در این شعر وجود دارد و جزو بنیان‌های اصلی سازه فکری این نوع متون است؛ در همین راستا، شاعران دفاع مقدس، از مفاهیم و تصاویر انتقادی و استعمارستیز در شعر خود به فراوانی بهره‌مند گشته‌اند؛ در رأس این مفاهیم باید به تقابل فرهنگی غرب (نماد استعمارگرایی) و شرق (نماد تمام ملل استعمارپذیر) و رویارویی این دو اشاره کرد. مضمون پر تکرار دیگر در باور گفتمانی شعر دفاع مقدس، آگاه‌سازی ملت‌های شرق از سیاست‌های نهانی استعمار با بازنمود ابزارهای استعمار چون دانش، فرهنگ، نمادهای تمدن و قدرت استعماری است؛ در این شعر، باور به خود و حفظ استقلال با تکیه بر اصول هویت ملی و

مذهبی مستحکم‌ترین نیرو در مقابل تمام داشته‌های غرب معرفی شده است. این شعر تمام ملت‌های استعماردریده و ضداستعماری را در جبهه و مسیر واحد و دارای مقصد واحد (حفظ استقلال و هویت) معرفی می‌کند و افراد و حکومت‌هایی را که دچار خودباختگی فرهنگی شده‌اند به سختی می‌نکوهد.

منابع

- ۱- احمدی، عباس. (۱۳۸۸). *مجموعه شعر چای چوپان*، تهران: سوره مهر.
- ۲- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۷). *سه کتاب*، چاپ سیزدهم، تهران: زمستان.
- ۳- امین‌پور، قیصر. (۱۳۹۰). *آینه‌های ناگهان*، چاپ هجدهم، تهران: افق.
- ۴- اوستا، مهرداد. (۱۳۸۶). *آن صبح پرنیانی*، تهران: تکا.
- ۵- ایگلتن، تری. (۱۳۸۶). *پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی*، ترجمه عباس مخبری، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- ۶- برتنز، یوهانس ویلم. (۱۳۸۲). *نظریه ادبی*، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: آهنگ دیگر.
- ۷- برک، ژاک. (۱۳۹۰). *هویت جمعی در شناسایی مصادیق فرهنگ*، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز.
- ۸- تیموری، عباس. (۱۳۹۵). *نگاهی اجمالی به دفاع مقدس*، تهران: ستاره‌ها.
- ۹- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۷). *گنجشک و جبرئیل*، چاپ هشتم، تهران: افق.
- ۱۰- حمیدی، جعفر. (۱۳۷۳). *در مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی*، تهران: سمت.
- ۱۱- دالمیر، فرد. (۱۳۸۴). *راه‌های بی‌بدیل: فراسوی شرق‌شناسی و غرب‌شناسی*، ترجمه فاطمه صادقی و نرگس تاجیک، تهران: نشر پرسش.
- ۱۲- درودیان، محمد. (۱۳۸۸). *سیری در جنگ ایران*، جلد ششم، چاپ هفدهم، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ۱۳- رشیدیان، عبدالکریم. (۱۳۹۳). *فرهنگ پسامدرن*، تهران: نشر نی.
- ۱۴- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۹۷). *تضاد غرب و شرق (ایران و کشورهای غربی)*، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشارات.
- ۱۵- زرقانی، سید هادی. (۱۳۹۵). «رمزگشایی کدهای ژئوپلیتیک عراق در تهاجم به ایران»، *نشریه پژوهش جغرافیای سیاسی*، سال اول، شماره ۴، صص ۶۷-۹۲.
- ۱۶- سعید، ادوارد. (۱۳۷۹). *فرهنگ و امپریالیسم*، ترجمه اکبرافسری، چاپ چهارم،

- تهران: انتشارات قومس، ۱۳۷۹.
- ۱۷- سعید، ادوارد. (۱۳۸۳). *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۸- شاهمیری، آزاده. (۱۳۸۹). *نظریه و نقد پسااستعماری*، تهران: نشر علم.
- ۱۹- شهریار، سید محمد حسین. (۱۳۸۷). *دیوان اشعار*، تهران: نگاه.
- ۲۰- صفارزاده، طاهره. (۱۳۶۶). *دیدار صبح*، شیراز: نوید شیراز.
- ۲۱- _____ . (۱۳۷۸). *گزیده ادبیات معاصر*، تهران: نیستان.
- ۲۲- _____ . (۱۳۸۶). *از جلوه‌های جهانی*، تهران: هنر بیداری.
- ۲۳- عطارزاده، صالح. (۱۳۸۶). *خورشیدهای بی‌غروب قبیله عشق*، تهران: صریر.
- ۲۴- قزوه، علی‌رضا. (۱۳۸۹). *عشق علیه‌السلام*، چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
- ۲۵- _____ . (۱۳۸۸). *از نخلستان تا خیابان*، چاپ سیزدهم، تهران: سوره مهر.
- ۲۶- _____ . (۱۳۸۷). *سوره انگور*، تهران: توسعه کتاب ایران.
- ۲۷- _____ . (۱۳۹۰). *صبح بنارس*، چاپ دوم، تهران: شهرستان ادب.
- ۲۸- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۸). *فرصت نایاب*، چاپ دوم، تهران: انجمن شاعران ایران.
- ۲۹- _____ . (۱۳۸۰). *بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان*، تهران: پالیزان.
- ۳۰- محبت، جواد. (۱۳۸۹). *از سال‌های دور و نزدیک*، چاپ سوم، تهران: تکا.
- ۳۱- معلم، علی. (۱۳۸۹). *شرح‌ها شرحه است صدا در باد*، تهران: سوره مهر.
- ۳۲- مک‌لین، ایان. (۱۳۸۱). *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*، ترجمه حمید احمدی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- ۳۳- هراتی، سلمان. (۱۳۶۵). *از آسمان سبز*، چاپ دوم، تهران: دفتر شعر جوان.
- ۳۴- _____ . (۱۳۸۰). *مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی*، تهران: دفتر شعر جوان.